

بیست و هشت روز تمام

داوید زافیر

ترجمه حسین تهرانی



کتاب کره پخش

داوید زافیر، متولد ۱۹۶۶، از معروف‌ترین و موفق‌ترین نویسندگان معاصر آلمان است. رمان‌هایش؛ مسیح مرا دوست دارد، کارمای بد، ناگهان شکسپیر، گاو، خانواده شاد و بیست‌وهشت روز تمام در مجموع به فروش بیش از سه میلیون نسخه دست یافته‌اند و به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده‌اند. این آثار، خارج از آلمان نیز جزء پرفروش‌ترین کتاب‌ها محسوب می‌شوند. داوید زافیر به خاطر نوشتن سناریوی سریال تلویزیونی برلین، برلین موفق به دریافت جایزه تلویزیونی گریمه از آلمان و اِمی (اسکار تلویزیونی) از آمریکا شد. داوید در برمن زندگی و کار می‌کند و دو فرزند دارد.

آن‌ها مرا کشف کرده بودند.
کفتارها مرا کشف کرده بودند!
و داشتند تعقیب می‌کردند.
این را به طور غریزی احساس کردم. بدون اینکه آن‌ها را دیده یا صدایشان را شنیده باشم. مثل حیوانی که هنوز دشمن را در طبیعت وحش ندیده، ولی احساس می‌کند جان‌ش در خطر است. این بازار، بازاری که برای لهستانی‌ها کاملاً معمولی بود و سبزیجات، نان، چربی خوک، لباس، حتی گل‌های رزشان را از اینجا می‌خریدند، برای آدم‌هایی مثل من حکم طبیعت وحش را داشت. طبیعتی که در آن حکم طعمه را داشتم. طبیعتی که اگر می‌فهمیدند در واقع چه کسی یا بهتر بگویم چه بودم، احتمال داشت جانم را در آن از دست بدهم.
با خودم فکر کردم، سریع‌تر حرکت نکن. یا آهسته‌تر. تغییر جهت نده. به تعقیب‌کنندگان اصلاً نگاه نکن. نامنظم نفس نکش. کاری نکن که به سوءظنشان مهر تأیید بزنی.
برایم بسیار دشوار بود طوری در بازار راه بروم که انگار دارم در این روز بهاری که به شکل غافلگیرکننده‌ای گرم بود، از تابش نور خورشید لذت می‌برم. با تمام وجود می‌خواستم فرار کنم، ولی آن وقت برای کفتارها مشخص می‌شد سوءظنشان بجا بوده است؛ که من یک دختر لهستانی واقعی نبودم که خریده‌هایم را کرده بودم. حالا داشت کیسه پلاستیک‌های پُرش را به خانه می‌برد؛ بلکه یک قاچاقچی بود.
لحظه‌ای توقف کردم. برای رد گم کردن، سیب‌های روی گاری یک زن کشاورز را امتحان کردم و با خود اندیشیدم، آیا بهتر نیست به دوروبرم نگاهی بیندازم.